

مبنای قاعده تفسیر علیه انشاءکننده در قرارداد بیمه و سایر قراردادها در نظام حقوقی ایران

هادی ملک^۱، حسین انگورج تقوی^۲

۱- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، رشته حقوق مالی اقتصادی، دانشگاه آزاد واحد الکترونیکی، ایران، تهران (نویسنده مسئول)
۲- استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، ایران، چالوس

چکیده

زندگی بشر همواره در معرض خطرات و زیان‌های غیر قابل پیش بینی قرار دارد. یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روشی که انسان برای مقابله با خطرات اجتناب ناپذیر برگزیده است عقد بیمه است. در عقد بیمه با انعقاد قرارداد با شرکتهای بیمه، جبران نتایج و خطرات ناشی از حوادث موضوع بیمه به شرکت بیمه منتقل می‌شود. عقد بیمه همانند سایر عقود ممکن است در مرحله اجرا دارای ابهام و اجمال باشد که نیاز به تفسیر در چنین مواردی ناگزیر می‌نماید. از آن جا که ماهیت و ویژگی قراردادهای بیمه با سایر قراردادها متفاوت است. که این تفاوت‌ها به اصولی اساسی حاکم بر عقد بیمه باز می‌گردد و از جمله این اصول، ویژگی الحاقی عقد بیمه، اصل حسن نیت و جبران خسارت، ... اشاره کرد که این تمایزات باید در روند تفسیر مورد توجه قرار گیرند. از طرف دیگر، پیچیدگی این نوع قراردادها و موقعیت برتر اطلاعاتی و اقتصادی شرکتهای بیمه، بیمه‌گذاران را در وضعیت نابرابری قرارداده است. مجموعه این عوامل ضرورت استفاده از بعضی ابزارهای حمایتی به منظور اصلاح این ساختار ناعادلانه و حمایت از بیمه‌گذاران و ذینفعان بیمه را اجتناب ناپذیر می‌نماید. یکی از این قواعد و ابزارهای حمایتی استفاده از قاعده‌ی «تفسیر علیه انشاءکننده قرارداد» در عقد بیمه است. استفاده از این قاعده موجب تعادل قراردادی و عدم برخورد زیان دیده و بیمه‌گذار با افسار و تنگ دستی عامل زیان در هنگام وقوع خسارت می‌گردد. دادگاه نیز در برخورد با مسئول حادثه‌ای که دارای پوشش بیمه‌ای است با وسعت نظر خسارات را ارزیابی کرده و جبران خسارت تسهیل می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: انشاءکننده قرارداد، قرارداد بیمه، تفسیر علیه انشاءکننده